

آینده پژوهی راهبردهای حکمرانی در مقابله با چالش های جنگ ترکیبی

مهدی هدایتی شهیدانی^۱، آذین دخت جمالزاده^۲

۱۲

دوره ۶، شماره ۲، پیاپی ۱۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۰/۱۵

صص: ۱۶۱-۱۸۳

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



DOI: 10.22080/jpir.2025.25537.1421

چکیده

در قرن بیست و یکم، جنگ ترکیبی به عنوان یکی از پیچیده ترین اشکال جنگ ها شناخته می شود. این نوع جنگ، با به کارگیری از ابزارهای مختلف و روش های نظامی و غیرنظامی تلاش می کند تا دشمن را در ابعاد گوناگون تحت فشار قرار دهد. همچنین، با استفاده از فناوری های نوین، دیپلماسی فریب دهنده، انتشار اطلاعات نادرست و اقدامات اقتصادی شناخته می شود. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می توان اصول حکمرانی را به گونه ای ترسیم و تقویت کرد که در مواجهه با جنگ ترکیبی، کارآمدی و مقاومت نظام حکمرانی حفظ شود؟ فرضیه پژوهش این است که اگر اصول حکمرانی به کمک فناوری های نوین، همکاری با دیگر کشورها و ایجاد سازوکارهایی برای تاب آوری داخلی در برابر تهدیدات جنگ ترکیبی تقویت شود، نظام حکمرانی می تواند در برابر تهدیدات حاصل از آن، مقاومت بیشتری داشته باشد. یافته های پژوهش نشان می دهد که نظام های حکمرانی که اصول خود را باتوجه به تغییرات و تهدیدات موجود بروز رسانی کرده، در مقابله با تهدیدات مقاوم تر بوده و تأثیر کمتری پذیرفته اند. همچنین؛ تبادل اطلاعاتی با دیگر کشورها و نهادهای بین المللی و استفاده از فناوری های نوین اطلاعاتی موجب تأثیرپذیری کمتری در مقابله با تأثیرات این نوع جنگ می شود. روش مورد استفاده در این مقاله، آینده پژوهی و سناریونویسی و مبنای نظری آن واقع گرایی نئوکلاسیک است و برای جمع آوری داده ها از اسناد به روز و معتبر بهره گرفته شده است.

کلیدواژه ها: اصول حکمرانی، جنگ ترکیبی، آینده پژوهی، جنگ، امنیت.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

mehdi.hedayati88@gmail.com

(نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، جنگ ترکیبی تبدیل به یکی از چالش‌های امنیتی شده است. جنگ ترکیبی صحنه نبرد با استفاده از چندین ابزار متعارف و غیرمتعارف جنگی است (Munich Security Report, 2015:35). این جنگ نه تنها میدان نبرد را دستخوش تغییر کرده، بلکه ساختارهای حکومتی، سیاست‌گذاری‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری را نیز به طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده است. برخلاف جنگ‌های سنتی که عمدتاً به ابزارهای نظامی متکی بودند، جنگ ترکیبی از شیوه‌های پیچیده‌تری نظیر جنگ اطلاعاتی، حملات سایبری و تبلیغات سوء بهره می‌برد که مدیریت آن نیازمند دقت، برنامه‌ریزی و رویکردهای چندبعدی است. کنفرانس امنیتی مونیخ در گزارش خود با تمرکز بر عملیات روسیه در اوکراین، جنگ ترکیبی را شامل ابزارهایی نظیر حملات سایبری، نیروهای نظامی منظم و نامنظم، یگان‌های ویژه، حمایت از ناآرامی‌های محلی، جنگ اطلاعاتی، اقتصادی، تبلیغات و دیپلماسی معرفی کرده است. همچنین، این کنفرانس روش اجرای جنگ ترکیبی را به عنوان ترکیبی از ابزارهای مختلف جنگ متعارف و غیرمتعارف توصیف می‌کند (ریاضی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۷). یکی از ویژگی‌های کلیدی جنگ ترکیبی، بهره‌برداری از نقاط ضعف ساختاری و حکمرانی کشورها برای ایجاد بی‌ثباتی است. این جنگ‌ها به دلیل ماهیت چندلایه و غیرقابل پیش‌بینی خود، فرماندهی و کنترل را در جنگ‌های مدرن به چالشی اساسی تبدیل کرده‌اند. در چنین شرایطی، حکمرانی کارآمد به عنوان یک نیاز حیاتی مطرح می‌شود. تصمیم‌گیران باید با بهره‌گیری از رویکردهای نوآورانه و راهبردهای تطبیقی، ضمن حفاظت از امنیت ملی، ظرفیت‌های داخلی را برای مقابله با این تهدیدات تقویت کنند.

حکمرانی مؤثر در مقابله با جنگ ترکیبی، به معنای توانایی نهادهای حکومتی در تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که نه تنها توان مقابله با تهدیدات را افزایش دهد، بلکه جامعه را نیز برای بازگشت سریع به شرایط عادی آماده کند. این هدف مستلزم به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد سازوکارهایی برای تقویت تاب‌آوری داخلی است. با توجه به اهمیت فزاینده مقابله با تهدیدات ناشی از جنگ ترکیبی، این پژوهش تلاش دارد اصولی را برای تقویت حکمرانی در برابر این چالش‌ها ارائه دهد. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان اصول حکمرانی را به نحوی طراحی کرد که در برابر تهدیدات جنگ ترکیبی، کارآمدی و مقاومت لازم حفظ شود؟ فرضیه پژوهش این است که

تقویت اصول حکمرانی از طریق فناوری‌های نوین، تعامل با سایر کشورها و ایجاد سازوکارهایی برای افزایش تاب‌آوری داخلی، می‌تواند ظرفیت نظام حکمرانی را برای مقابله با این تهدیدات بهبود بخشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظام‌هایی که اصول حکمرانی خود را با توجه به تغییرات محیطی و تهدیدات جدید به‌روز کرده‌اند، عملکرد بهتری در مقابله با جنگ ترکیبی داشته‌اند. همچنین، تبادل اطلاعاتی با سایر کشورها و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی، به طور مؤثری آسیب‌پذیری این نظام‌ها را کاهش داده است. این پژوهش بر ضرورت تطبیق حکمرانی با شرایط متغیر و اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه برای کاهش اثرات جنگ‌های ترکیبی تأکید دارد.

۱-پیشینه تحقیق

کلانتری، فتح‌الله در مقاله‌ای تحت عنوان "مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله با آن" در سال (۱۳۹۵)، در این پژوهش از چارچوب‌های نظری؛ جامعه کوانتومی، نظریه سیستم‌ها، نظریه جامعه کوتاه‌مدت مورد بررسی و استفاده قرار گرفته است. همچنین به مباحث مهمی از جمله جنگ ترکیبی، دیپلماسی، جنگ اطلاعاتی، ابزارها و روش جنگیدن، جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، اقدام‌های سیاسی و دیپلماتیک، حمایت از درگیری‌ها و ناآرامی‌های داخلی جنگ اقتصادی و... پرداخته شده است. به‌طور کلی در این پژوهش بیان شده که جنگ دارای سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی است که هر کدام از سطوح یادشده دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. این مقاله به ابعاد و ویژگی‌های راهبردی جنگ آینده و تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

ستاری خواه، علی و همکاران سال (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "ماهیت صحنه جنگ ترکیبی آینده احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴"، باهدف تبیین ماهیت صحنه جنگ ترکیبی آینده احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، نوشته‌اند که ماهیت صحنه جنگ ترکیبی آینده احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ بر اساس شاخص‌های عدم قطعیت آینده مشتمل بر تهدید، بازدارندگی و تعاملات بین‌المللی حوزه‌های تهاجم نظامی از جمله هوا - دریا، نیابتی دولت‌محور و غیردولتی، براندازی نرم، تحریم همه‌جانبه، بی‌ثبات‌سازی داخلی، تنش مقطعی و نافرمانی، نفوذ و استحاله قابل‌دسته‌بندی است که در آن مهم‌ترین ویژگی‌ها شامل استفاده از سلاح‌های نوین و

فضای مجازی، نوع و ابزار تهدیدات از نوع هوشمند و عرصه آن متمرکز بر جنگ اطلاعاتی - امنیتی، فرهنگی و قومی و مذهبی است. بختیاری، ایرج و بیژن ساعدی در مقاله‌ای تحت عنوان "روند تکاملی جنگ و جنگ ترکیبی (از منظر فرماندهی و کنترل)" در سال (۱۳۹۸)، اشاره دارند که امروزه جنگ ترکیبی به‌عنوان مفهومی نوین در ادبیات نظامی و راهبردی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و تحقیقات زیادی در خصوص نقش فرماندهی و کنترل در جنگ ترکیبی در حال انجام است؛ بنابراین تبیین مبانی، اصول، ویژگی‌ها و اهداف جنگ‌های ترکیبی و نوع فرماندهی و کنترل آن‌ها به‌عنوان مصادیق جنگ‌های آینده از الزاماتی است که می‌تواند در سیاست‌گذاری کلان نظامی در اولویت قرار گیرد.

راجی، محمدهادی و سید علی مرندی در مقاله‌ای تحت عنوان "بایسته‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ هیبریدی" در سال (۱۴۰۱) در ابتدای مقاله به این موضوع اشاره دارند که علوم اجتماعی تحت تأثیر الگوهای مدرن و فناوری‌های جدید ارتباطی در حال تحول اساسی است، به تبع این فرایند، مفاهیم مهم علوم اجتماعی نیز تحت تأثیر این تغییرات در حال تحول هستند. یکی از این مفاهیم تحول‌یافته مفهوم جنگ است. جنگ‌های امروزی از بستر سخت مدل‌های کلاسیک نبرد، فراتر آمده‌اند و در فرایند پیچیده تحولات اجتماعی دچار تغییرات اساسی شده‌اند، به‌طوری‌که از چارچوب محدود جنگ نظامی به الگوی جنگ ترکیبی تغییر شکل یافته‌اند.

۲- مبانی نظری: نواقع‌گرایی کلاسیک

واقع‌گرایی نوکلاسیک به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم در روابط بین‌الملل، در تلاش است تا شکاف میان دو سطح تحلیل کلان، یعنی ساختار نظام بین‌الملل و خرد؛ یعنی عوامل داخلی کشورها را پر نماید. این نظریه بر اساس نظریه نئورئالیسم شکل گرفته و توسط نظریه‌پردازانی چون گیدئون رز در دهه ۱۹۹۰، معرفی شده است. از ویژگی‌های مهم این نظریه، تمرکز بر برداشت رهبران است. در واقع‌گرایی نوکلاسیک نیز علت اصلی بی‌ثباتی علاوه بر ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل، برداشت‌های ذهنی رهبران از تهدیدات و همچنین نیت آنان است و راه‌حل موازنه تهدید را به‌جای موازنه قدرت پیشنهاد می‌کنند (والث، ۱۹۹۰). واقع‌گرایی نوکلاسیک نقش اساسی دولت را مورد توجه قرار داده و سعی دارد توضیح دهد که چگونه ویژگی‌های داخلی کشورها میان ارزیابی‌های تصمیم‌گیرندگان از تهدیدها و فرصت‌های بین‌المللی و سیاست خارجی آن‌ها تأثیر می‌گذارند و این سیاست‌ها را شکل می‌دهند.

(فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۷). در مواجهه با جنگ ترکیبی که شامل ترکیبی از جنگ‌های سستی و غیرسستی، تهدیدات سایبری و عملیات اطلاعاتی است، واقع‌گرایی نوکلاسیک می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل باشد. چندلایه‌ای بودن تهدیدات جنگ ترکیبی که هم نقاط ضعف داخلی مانند حکمرانی ناکارآمد یا ضعیف و هم فشارهای خارجی را هدف قرار می‌دهد، با استفاده از این رویکرد به‌خوبی قابل تحلیل است. چراکه، به‌طور واضح، واقع‌گرایی نوکلاسیک هر دودسته از متغیرهای داخلی و خارجی را شامل می‌شود (فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۹). بنابراین، واقع‌گرایی نوکلاسیک با تأکید بر تعامل عوامل داخلی و خارجی، نه‌تنها برای تحلیل جنگ ترکیبی مناسب است، بلکه راهبردهای عملی برای تقویت حکمرانی و مدیریت تهدیدات ترکیبی را می‌تواند ارائه دهد. این رویکرد، با روشن ساختن نقش برداشت‌های رهبران و نهادهای داخلی و فشارهای خارجی، می‌تواند ابزاری کارآمد برای درک عمیق‌تر از چالش‌های نوظهور در نظام بین‌الملل باشد.

علاوه بر این، آینده‌پژوهی به‌عنوان روشی تحلیلی و چندعاملی، می‌تواند در پیش‌بینی و شناسایی تهدیدات آینده مؤثر باشد. واقع‌گرایی نوکلاسیک، با تأکید بر نقاط ضعف و قوت داخلی و تعامل آن‌ها با ساختارهای جهانی، به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا راهبردهای مؤثری برای مقابله با جنگ ترکیبی طراحی و اجرا کنند. این رویکرد نه‌تنها بر اهمیت تحلیل دقیق تهدیدات کنونی تأکید دارد، بلکه به پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای مقابله با چالش‌های آینده نیز توجه می‌کند.

۳- روش پژوهش: آینده پژوهی

در این تحقیق، از روش آینده‌پژوهی و سناریونویسی استفاده شده است. استفاده از این روش، این امکان را فراهم ساخته که با در نظر گرفتن شناسایی تهدیدات حاصل از جنگ‌های ترکیبی، درک بهتری از حال و آینده نظام‌های حکمرانی پیدا کنیم. از سناریونویسی نیز، برای تحلیل چالش‌ها و سناریوهای مختلف مربوط به آینده نظام‌های حکمرانی در مواجهه با تهدیدات جنگ ترکیبی استفاده می‌شود. در راستای جمع‌آوری داده‌ها، از منابع اسنادی به‌روز و معتبر بهره گرفته شده است.

۴- جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی به این معناست که از ابزارها و روش‌های گوناگون به‌طور هم‌زمان استفاده می‌شود و عناصر مختلفی در شیوه جنگیدن ترکیب می‌شوند (Huvinen, 2011: 3). اهداف این جنگ در

برگیرنده اهداف نظامی، سیاسی و اقتصادی است. این نوع از جنگ‌ها، به گونه‌ای طراحی می‌شوند که موجب ابهام در شناسایی و مقابله با تهدیدات آن است. در جنگ نامحدود، ابعاد مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرند که تنها به میدان‌های فیزیکی محدود نمی‌شوند؛ بلکه حوزه‌های اقتصادی و انرژی، دینی و فرهنگی، اجتماعی و محیط زیستی و شبکه‌های اطلاعاتی را نیز در بر می‌گیرند. آنچه جنگ ترکیبی را نسبت به جنگ‌های سنتی یا آشکارتر خطرناک‌تر می‌کند، وجود اقدامات پنهانی و غیرقانونی است که اغلب باهدف تحریک و ایجاد عمده‌ی سایر منازعات مرتبط انجام می‌شوند (Gardner, 2015). همچنین در جنگ‌های ترکیبی، به‌منظور اعمال فشار همه‌جانبه بر کشور هدف، به‌طور هم‌زمان از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی، جنگ سایبری، فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک برای دستیابی به هدف استفاده می‌شود. ویژگی‌های جنگ ترکیبی شامل موارد زیر می‌شود:

- ۱- حضور نیروهای عمده دولتی و غیردولتی؛
- ۲- مشارکت راهبردی؛
- ۳- فرماندهی چندبعدی با دیدگاه و افق دید مشترک که برای اهداف تعیین شده توانایی اجماع‌سازی دارند؛
- ۴- اقدامات هم‌زمان: انجام عملیات در فضاها و مختلف در یک بازه زمانی برای دستیابی به تأثیرات سریع و مؤثر به جای عملیات فازی؛
- ۵- چندبعدی بودن: طراحی و اجرای عملیات با استفاده از منابع داخلی و خارجی میدان نبرد؛
- ۶- عدم تقارن (Huber 2014:45) به نقل از: کلانتری، ۱۳۹۶). در جنگ‌های ترکیبی، دو اصل کلیدی در شناسایی و دفاع باید رعایت شود: تقویت همکاری بین دولت و تقویت همکاری با متحدان و شرکا، علاوه بر این، نقش دفاعی در شناسایی تهدیدات ترکیبی همچنان بر استفاده از اطلاعات استراتژیک و داده‌های حاصل از منابع فنی و فیزیکی مستقر در سراسر جهان تمرکز خواهد داشت (Monaghan, 2018:90). جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان علیه رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶، نمونه‌ای از جنگ‌های ترکیبی است که حزب الله توانست با استفاده از راهبردهای ترکیبی، رژیم صهیونیستی را غافلگیر نماید. نمونه دیگر تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. نمونه دیگر جنگ‌های ترکیبی، در جنگ اوکراین پدیدار شد. درحالی‌که مفهوم جنگ ترکیبی مورد توجه اولیه قرار گرفت، پیشرفت چشمگیری در سال ۲۰۱۴ با اشغال و الحاق شبه‌جزیره کریمه توسط روسیه

از اوکراین مشاهده شد، این نوع جنگ بلافاصله با سخنرانی معروف ژنرال والری گراسیموف^۲، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه، مرتبط شد تا جایی که به جای یک دکترین (که بیشتر جنبه اسطوره‌ای داشت) به نام او شناخته شد. (Käihkö, 2021:116).

جنگ ترکیبی، در برگیرنده ابزارهای مختلفی است. این ابزارها شامل مواردی مانند: دیپلماسی، جنگ اطلاعاتی و تبلیغات، حمایت از بی‌ثباتی‌ها و شورش‌های محلی، نیروهای نامنظم و چریکی، نیروهای ویژه، واحدهای نظامی کلاسیک، جنگ اقتصادی و حملات سایبری است (رستمی و همکاران، ۱۴۰۰:۹۹). ابزارهای مورد استفاده در جنگ ترکیبی شامل موارد زیر است:

۵- استفاده از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی

یکی از راهبردهای اصلی در این نوع جنگ، استفاده از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی است که به منظور افزایش برای انعطاف‌پذیری و تطبیق با شرایط مختلفی که در میدان نبرد وجود دارد، صورت می‌گیرد. در حالی که نیروهای نظامی، با دسترسی به تجهیزات پیشرفته و آموزش‌های تخصصی، می‌توانند عملیات پیچیده و هماهنگ را انجام دهند، شبه‌نظامیان می‌توانند با عملیات نامتعارف و غیرقابل پیش‌بینی، تأثیر بزرگی بر برنامه‌های دشمن دارند. نمونه‌های بارز این راهبرد را می‌توان در اوکراین، جنگ سوریه و جنگ ویتنام، مشاهده کرد.

جنگ سایبری:

یکی از ابعاد جدید جنگ‌ها، جنگ سایبری است که شامل استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای حمله به زیرساخت‌های دیجیتال کشورهای است. هدف از حملات سایبری، دسترسی به اطلاعات حساس، ایجاد اختلال و تضعیف توانایی عملیاتی کشورها است. حملات سایبری اکنون به عنوان بخشی اساسی از جنگ‌های ترکیبی محسوب می‌شوند و در آینده نیز نقش پررنگ‌تری ایفا خواهند کرد. این حملات ممکن است شامل تخریب، تغییر، سرقت اطلاعات، یا خارج کردن خدمات آنلاین از دسترس باشند که توسط جامعه نظامی یا جوامع وسیع‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرند (جعفری و اسدی، ۱۳۹۷: ۶۱). تطبیق‌پذیری، انکار و اثربخشی حملات سایبری با هم ترکیب شده و این حملات را به یک تاکتیک ایده‌آل برای مهاجمان جنگ ترکیبی تبدیل می‌کنند (Davies, 2021). این حملات می

^۲ General Valery Gerasimov

توانند به زیرساخت های مهمی مانند شبکه های برق، سیستم های مالی، بیمارستان ها و تأسیسات آسیب برسانند و باعث اختلال در زندگی روزمره مردم شود. این گونه حملات از ایجاد اختلال در شبکه های برق تا سرقت اطلاعات طبقه بندی شده، بسیار انعطاف ناپذیرند (Jasper and Alexander 2020). برخی از نمونه های مهم حملات سایبری شامل:

- حمله استاکس نت (۲۰۱۰): این حمله به برنامه هسته ای ایران، از پیچیده ترین حملات سایبری تاریخ بود که توسط ایالات متحده و رژیم صهیونیستی اجرا شد و منجر به اختلال در برنامه غنی سازی اورانیوم ایران شد. مهم ترین هدف این بدافزار، تأسیسات و تجهیزات غنی سازی اورانیوم ایران بود و به طور ویژه برای هدف گیری دستگاه های سنتریفیوژ در تأسیسات نظنز طراحی شده بود و با تسلط بر سیستم کنترل سنتریفیوژها و ایجاد اختلال در سطوح کاری این دستگاه ها (تا رساندن آنها به سطح غیرقابل تحمل و کنترل)، قصد داشت چرخه غنی سازی را تخریب کند (خلف رضایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).
- حمله به سونی پیکچرز (۲۰۱۴): این حمله که برخی، کره شمالی را مسئول آن می دانند، حجم بزرگی از اطلاعات محرمانه سونی را به سرقت برد و سیستم های کامپیوتری شرکت را از کار انداخت.
- حمله به شبکه برق اوکراین (۲۰۱۵): این حمله سایبری پیچیده، موجب قطعی برق گسترده در اوکراین شد و نشان داد که چگونه حملات سایبری می توانند به زیرساخت های حیاتی آسیب برسانند. همچنین، در بحران اوکراین ۲۰۲۲، روسیه با هدف ایجاد اختلال در خدمات و تزریق بدافزارهای مخرب به شبکه های اوکراینی، به روش هایی مانند فیشینگ، حملات انکار سرویس، و بهره برداری از آسیب پذیری های نرم افزاری متوسل شد که در آغاز، وبسایت های دولتی اوکراین، خدمات انرژی و مخابرات، مؤسسات مالی و رسانه ها به عنوان اهداف اصلی قرار گرفتند، اما این حملات سایبری به تدریج دامنه خود را به سایر بخش های حیاتی نیز گسترش دادند (Lewis, 2022).

۶- عملیات روانی و اطلاعات نادرست:

یکی از اصول مهم در جنگ ترکیبی، عملیات روانی و انتشار اطلاعات نادرست است. جنگ روانی باهدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی، ایجاد سردرگمی و تردید و اعمال فشار بر جامعه هدف را برای تغییر در رفتار و تصمیم گیری ها دنبال می کند که به همین منظور از انتشار اطلاعات نادرست، پخش شایعات، پروپاگاندا و... برای تأثیرگذاری استفاده می کند. برخلاف حملات سایبری سنتی که هدفشان

تخریب عملکرد سیستم‌های کامپیوتری است، در کمپین‌های جنگ نفوذ دیجیتالی، هدف از بین بردن یکپارچگی سیستم‌ها نیست، بلکه این کمپین‌ها تلاش می‌کنند از سیستم‌های کامپیوتری به نفع خود و به ضرر هدف بهره‌برداری کرده و این کمپین‌ها معمولاً بر اساس راهبرد «تفرقه‌بینداز و حکومت کن» طراحی می‌شوند؛ به‌طوری‌که جامعه‌ای که دچار تفرقه و اختلاف است، به‌جای اینکه در برابر یک تهدید مشترک متحد شود، بر سر مسائل مختلف دچار درگیری داخلی شده و بسیاری از این فعالیت‌ها بر شکل‌دهی به ادراکات، تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای یک جامعه تمرکز دارند و در برخی موارد، هدف نهایی آن‌ها ایجاد ناکارآمدی در عملکرد اجتماعی یک جامعه است. (Forest, 2021:19). در جنگ روانی استفاده هدفمند از تبلیغات از طریق رسانه‌های آشکار مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات، ماهواره‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، و همچنین ابزارهای پنهان مانند شایعه‌پراکنی، جاسوسی، ترور و... باهدف تحریف باورها، تضعیف روحیه مردم یا نیروهای نظامی دشمن، و زیرسؤال بردن انگیزه‌ها و کاهش اقتدار حکومت‌های مخالف انجام می‌شود (متفکر، ۱۳۸۶: ۱۸). از ویژگی‌های عملیات روانی می‌توان به تأثیرگذاری بر افکار عمومی، پنهان‌کاری و فریب، تردید و سردرگمی و متنوع بودن شیوه‌های اجرا اشاره کرد. در این عملیات‌ها، اطلاعات نادرست بدون ذکر منابع اصلی منتشر می‌شود و از شبکه‌های اجتماعی برای گسترش سریع این اطلاعات استفاده می‌شود. این اقدامات می‌تواند شامل انتشار اخبار غلط، کمپین‌های جعلی، و نظرسنجی‌های دروغین باشد و هدف از آن‌ها، ایجاد تردید و بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی است. فضای سایبری به دولت‌ها و گروه‌های مستقل این امکان را می‌دهد که از طریق اینترنت به طور مستقیم بر افکار و احساسات شهروندان تأثیر بگذارند که به همین دلیل، جنگ روانی در فضای سایبری که به‌عنوان "سایبری فعال" شناخته می‌شود، بسیاری از ویژگی‌های منحصر به فرد این فضا را به کار می‌گیرد و این ویژگی‌ها شامل هزینه پایین برای ورود، قابلیت تکرار نامحدود حملات، دشواری در تعیین منبع آن‌ها، و مزیتی است که حمله‌کنندگان در برابر مدافعان دارند (Ajir & Vaillant, 2020:10). باتوجه به اینکه رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی گسترش روزافزونی دارند، این عملیات پیچیده در جنگ ترکیبی تأثیرگذارتر شده و نیازمند مقابله جدی با آن است.

۷- جنگ اقتصادی:

جنگ اقتصادی به‌عنوان ابزاری پیچیده و چندبعدی شناخته می‌شود که برای دستیابی به موفقیت نیازمند تحلیل عمیق و بهره‌گیری از راهبردهای متنوع است ابزارهای جنگ اقتصادی، شامل تحریم‌ها، مسدودکردن

دارایی‌ها، ممنوعیت‌های تجاری و ایجاد موانع مالی به منظور تغییر رفتار است و این امکان را به کشور یا نهاد اعمال‌کننده می‌دهد تا بدون درگیری نظامی مستقیم، به اهداف راهبردی خود برسد. هدف از جنگ اقتصادی نیز فشار اقتصادی برای بی‌ثبات‌سازی کشور هدف است. در جنگ‌های ترکیبی، جنگ اقتصادی زمانی که با سایر عناصر آن مثل جنگ سایبری و عملیات روانی و یا عملیات نظامی اجرا شود، اثرگذارتر است. تجربه تاریخی جنگ اقتصادی چند درس مهم را به ما نشان می‌دهد که بر اساس شرایط و دیدگاه‌ها متفاوت هستند: دو نکته منفی اول این است که: (۱) اقتصادهای مدرن توانایی تاب‌آوری در برابر حملات اقتصادی را دارند، (۲) تأثیرگذاری جنگ اقتصادی به‌کندی پیش می‌رود، اما یک نکته مثبت وجود دارد: (۳) جنگ اقتصادی در نهایت می‌تواند تأثیرگذار باشد که در نهایت، باید به یک هشدار توجه داشت: (۴) تهدید به جنگ اقتصادی نیز قدرتمند است، اما همیشه نتایجی که انتظار می‌رود را به دنبال ندارد و به‌طور کلی، تاریخ نشان می‌دهد که در جنگ، باید اقدامات اقتصادی و نظامی را در کنار هم مورد توجه قرارداد (Harrison, 2023:2). نمونه‌هایی بارز جنگ اقتصادی، تحریم‌های اقتصادی اعمال شده توسط ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران و جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین است.

۸- دیپلماسی:

در جنگ ترکیبی، دیپلماسی دربرگیرنده مذاکره، فشارهای دیپلماتیک، تحریم‌ها، ائتلاف‌سازی و روش‌های دیگری است که هدف از آن تضعیف کشور هدف و تقویت موقعیت خود می‌باشد. همچنین دیپلماسی به طور هماهنگ با دیگر عناصر جنگ ترکیبی به کار گرفته می‌شود. کشورها در تعاملات دوجانبه و چندجانبه خود معمولاً زمانی که دیپلماسی رسمی کافی نباشد و استفاده از زور ممکن نباشد، به اقدامات پنهانی روی می‌آورند که این اقدامات می‌توانند بسیاری از چالش‌های پیچیده در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را حل کنند (Scott, 2004:330). در جنگ ترکیبی، بیشتر دیپلماسی اجبار مدنظر است که با استفاده از فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی به دنبال تغییر رفتارها یا تصمیمات کشور هدف است. دیپلماسی اجبار را می‌توان در پنج مرحله بیان کرد: ۱- تهدید به استفاده از زور یا اعمال محدود قدرت برای شکست رقیب باید معتبر و با کمترین هزینه انجام شود؛ ۲- برای تبعیت دولت رقیب از خواسته‌های دولت تهدیدکننده باید یک مهلت زمانی مشخص تعیین شود؛ ۳- مشوق‌هایی برای تقویت اراده ارائه شود؛ ۴- به دولت رقیب تضمین داده شود که در صورت تبعیت از

خواسته‌ها، خواسته‌های جدید مطرح نخواهد شد؛ ۵- همچنین، بسته به شرایط ممکن است تضمین‌های اضافی نیز ارائه شود (قادری کنگاوری، ۱۴۰۱: ۲۳). تحریم‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی نیز ابزارهای مناسبی برای تحت فشار قرار دادن از سوی کشور یا نهاد اعمال‌کننده است تا در نهایت به اهداف خود دست پیدا کند. تلاش هماهنگ و گسترده نمایندگان دیپلماتیک کشورهای هم‌پیمان برای منزوی کردن یک کشور هدف در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را می‌توان دیپلماسی یا عملیات دیپلماتیک نامید که به‌عنوان یکی از عناصر مؤثر در جنگ هیبریدی شناخته می‌شود (پورحسن، ۱۳۹۶: ۳۱).

۹- اصول حکمرانی در مواجهه با جنگ ترکیبی

اصول حکمرانی، مجموعه‌ای از ارزش‌هایی است که برای مدیریت بهتر جامعه به کار گرفته می‌شود که شامل تصمیم‌گیری‌های راهبردی، تعامل با جامعه و اجرای سیاست‌ها است که چارچوب مشخصی برای دستیابی به اهداف اجتماعی اقتصادی مطلوب جامعه است. این اصول که سنگ بنای یک حکمرانی خوب هستند، هدف آن‌ها بهبود کیفیت زندگی مردم، افزایش اعتماد عمومی و ساخت جامعه‌ای پایدار است. این اصول شامل موارد زیر است:

جدول ۱: اصول حکمرانی خوب

این اصل تأکید بر این موضوع دارد که تصمیمات حکومت‌ها باید به گونه‌ای باشد که عموم مردم بتوانند آن را بررسی کنند. شفافیت نقش مهمی در دستیابی به افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد ایفا می‌کند.	شفافیت
برای داشتن یک کشور کارآمد، ضروری است که تمامی گروه‌های سیاسی مهم به طور فعال در امور و تصمیم‌گیری‌هایی که مستقیماً بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، مشارکت داشته باشند و فرصت تأثیرگذاری بر سیاست‌ها را داشته باشند. (United Nations, 2020).	مشارکت
تمامی افراد و نهادهای مشارکت‌کننده در فرایند حکمرانی باید مسئولیت تصمیمات خود را بپذیرند و نظارت دقیقی بر عملکرد دولت و نهادهای عمومی و اطمینان از پاسخگویی آن‌ها به مردم وجود داشته باشد.	پاسخگویی

قانونمداری	رعایت قوانین و مقررات الزامی برای دستیابی به حکمرانی مؤثر است که شامل احترام به حقوق بشر، اجرای عدالت، و حفظ حقوق و آزادیهای فردی است که حکمرانی را به سمت عدالت اجتماعی سوق می دهد.
عدالت و برابری	حکمرانی باید فرصت ها و منابع را به طور عادلانه در بین تمامی افراد جامعه توزیع کند و این اصل برابری در دسترسی به خدمات و منابع عمومی را تضمین کرده و از تبعیض جلوگیری می نماید.
اجماع محوری	تصمیم گیری های حکمرانی با اجماع و توافق میان ذی نفعان مختلف انجام گیرد و با تقویت تعاملات، تصمیمات از حمایت عمومی برخوردار شود تا اجرای مؤثر آن را تضمین کند.
اثر بخشی	بر بهره وری، پاسخگویی و استفاده بهینه از منابع تأکید داشته تا نیازهای جامعه به صورت مطلوب تأمین شود.
پایداری	در این اصل، توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست وظیفه ای بر دوش حکمرانان است و تأکید بر در نظر گرفتن منافع نسل آینده دارد.

Source: (UNDP,1997)

۱۰- مؤلفه های حکمرانی مؤثر در مواجهه با تهدیدات

در مواجهه با تهدیدات خارجی و داخلی، حکمرانی مؤثر نیاز به مجموعه ای از راهبردها دارد که این امکان را فراهم کند که به شکلی کارآمد با چالش های جنگ های ترکیبی و تهدیدات حاصل از آن، روبه رو شود. به کارگیری مؤلفه هایی که در ادامه بررسی شده، می تواند در دستیابی به این هدف، مفید واقع شود.

۱-۱۰ رهبری قوی

از ارکان اصلی حکمرانی مؤثر که نقشی کلیدی در جهت دهی به سیاست ها دارد وجود رهبری است که توانایی تصمیم گیری سریع و مؤثر در مواقع بحرانی را داشته باشد از اهمیت فراوانی برخوردار است. وجود چنین رهبری، نه تنها موجب هماهنگی میان نهادهای مختلف حکومت می شود؛ بلکه بر تقویت اعتماد عمومی نیز تأثیرگذار است. رهبر باید بتواند علاوه بر غلبه بر چالش ها و تهدیدات، راهبردهایی

را تدوین کند که در آینده نیز موجبات تقویت انسجام سیستم حکمرانی را فراهم کند. ویژگی‌های رهبران راهبردی در جنگ‌های ترکیبی شامل موارد زیر است:

الف) توانایی گرد هم آوردن نخبگان ملی و بین‌المللی؛

ب) مهارت در جلب اعتماد کارکنان و افزایش سرمایه اجتماعی در سطوح ملی و جهانی؛

پ) فرماندهی بر اساس اصول اخلاقی؛

ت) استفاده از نگرش فازی برای تحلیل محیط و حل مسائل؛

ث) درک محیط پویا و داشتن آینده‌نگری در فرایند تصمیم‌سازی؛

ج) تصمیم‌گیری بر مبنای تحلیل‌های کمی و مدل‌سازی؛

چ) مشارکت در ایجاد نهادهای صنفی نظامی؛

ح) تخصص در دیپلماسی دفاعی؛

خ) توانایی تعریف و توسعه سلاح‌های جدید متناسب با تهدیدات موجود (بقایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۹).

از سوی دیگر، یکی دیگر از ویژگی رهبر جامعه، باید داشتن دیدگاهی آینده‌نگرانه باشد که با درک تغییرات حال و نیازهای آینده، برنامه‌هایی را برای تقویت توانمندی جامعه و نهادها برای مقابله با تهدیدات مختلف فراهم کند و در نهایت، رهبران باید بتوانند به طریق ایجاد انسجام میان نهادها، برنامه‌های سیاسی را به شکلی منسجم اجرا کنند که این هماهنگی هم موجب کارایی حکومت می‌شود و هم میزان تاب‌آوری در برابر تهدیدات و بحران‌ها را افزایش می‌دهد.

۲-۱۰ شفافیت

در مواجهه با تهدیدات، احتمال پخش شایعات و اطلاعات نادرست وجود دارد. ارائه اطلاعات دقیق در زمان مناسب به مردم و نهادهای مختلف، از پخش شایعات جلوگیری کرده و باعث افزایش اعتماد عمومی می‌شود. مفهوم شفافیت را می‌توان این‌گونه توضیح داد:

۱. شفافیت به معنای روشن کردن قوانین، برنامه‌ها، فرآیندها و اقدامات است؛

۲. شفافیت به معنای آگاهی از چرایی، چگونگی، ماهیت، و میزان هر اقدام است؛

۳. شفافیت تضمین می‌کند که مسئولان، مدیران و صاحبان کسب و کار به‌طور قابل درک و واضح عمل کنند و گزارش‌هایی از فعالیت‌های خود ارائه دهند؛

۴. شفافیت به این معناست که عموم مردم بتوانند این افراد را در قبال اقداماتشان مسئول بدانند؛

۵. شفافیت به‌عنوان یک راهکار ساختاری، از فساد جلوگیری می‌کند و اعتماد مردم و نهادها را افزایش می‌دهد (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۹: ۱۸۷). این که اطلاعات اساسی، به‌طور دقیق به شهروندان، رسانه‌ها و نهادهای نظارتی ارائه شود، از یک سو مانع فساد، پنهان‌کاری و پخش شایعات می‌شود و از سوی دیگر این امکان برای شهروندان فراهم می‌شود که آگاهانه‌تر در امور عمومی مشارکت کنند و عملکرد دولت را مطالبه کنند. از سوی دیگر نیز، با وجود درستی به‌طور شفاف به اطلاعات، موجب افزایش اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی خواهد شد.

۳-۱۰ سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته

از ارکان کلیدی در حکمرانی مؤثر، سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته می‌باشد که نقش مهمی در افزایش دقت، کارایی و سرعت تصمیم‌گیری توسط دولت‌ها کمک می‌کند. سیستم‌های اطلاعاتی شامل مجموعه‌ای از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها، فناوری‌ها و منابع متنوعی هستند که با یکدیگر ترکیب و سازماندهی شده‌اند تا به‌طور خودکار امکان جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، پردازش، تولید و تبادل اطلاعات را فراهم کنند (محمودی، ۱۳۸۲: ۶۶).

اطلاعات به معنای قدرت است و هر کشوری که به سطح بالاتری از اطلاعات دست یابد، امنیت، استقلال و تمامیت ارضی خود را تضمین خواهد کرد (شفیعی نیا، ۱۳۹۵، به نقل از: محمود بابویی و همکاران: ۱۴۰۱). این سیستم‌ها، نقشی حیاتی در کاهش آسیب‌پذیری، افزایش امنیت، تسهیل همکاری‌های بین‌المللی و بهبود پاسخگویی نهادهای دولتی را فراهم می‌کند.

۴-۱۰ انعطاف‌پذیری

در مواجهه با شرایط پیش‌بینی‌نشده و چالش‌زا، یکی از ویژگی‌های مهم حکمرانی مؤثر که به آن امکان می‌دهد با سرعت بالا به آن پاسخ دهد، انعطاف‌پذیری است. داشتن این توانایی به سیستم‌های دولتی این امکان را می‌دهد که در برابر بحران‌های مختلف، واکنش سریع و مؤثری داشته باشند. یک سیستم حکومتی انعطاف‌پذیر قادر است از طریق بازنگری مستمر سیاست‌ها، هم در مواجهه با بحران‌ها هم در بهره‌برداری از فرصت‌های جدید، نقش فعالی ایفا کند. به‌عنوان مثال در مواجهه با یک بحران،

دولت انعطاف‌پذیر قادر است سیاست‌های خود را در حوزه بحران‌زا به سرعت تغییر دهد تا از تأثیرات منفی بحران بکاهد.

۵-۱۰ همکاری‌های بین‌المللی

باتوجه به اینکه در دنیای امروز تهدیدات جهانی در حال گسترش هستند، همکاری‌های بین‌المللی در مقابله با این تهدیدات و چالش‌های حاصل از آن‌ها نقش مهمی دارند. تبادل تجربیات و اطلاعات، برای ارائه پاسخی هماهنگ و مؤثر در تعامل با دیگر کشورها و نهادهای بین‌المللی حائز اهمیت است. به عنوان مثال، چالش‌هایی مانند تروریسم، امنیت سایبری، تغییرات اقلیمی و بیماری‌های فراگیر، نشانگر چالش‌هایی فرامرزی است که همکاری‌های بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. این نوع همکاری، هم امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های بیشتر و دانش تخصصی مختلف را فراهم می‌کند و هم به بهبود امنیت جهانی کمک می‌کند.

۶-۱۰ توسعه پایدار و توانمندسازی اقتصادی:

توسعه پایدار و توانمندسازی اقتصادی جامعه، یکی از عوامل کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی است که تاب‌آوری جامعه را در برابر تهدیدات نیز، افزایش می‌دهد. ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود وضعیت اقتصادی، هم جامعه را از نظر مالی تقویت می‌کند و هم موجب ثبات و امنیت نیز می‌شود. اقتصادهای قوی، تاب‌آوری اجتماعی را افزایش می‌دهد تا در مواجهه با بحران‌ها عکس از عمل بهتری نشان داده و با آمادگی بیشتری روبه‌رو شوند. واکنش‌ها و اقداماتی که برای مقابله با تکانه‌ها اتخاذ می‌شود، به میزان استحکام اقتصادی کشور، نوع و شدت نقاط ضعف و نوسانات اقتصادی وابسته است. (Simmie, et al, 2010) بحران‌ها به طور نامتناسبی بر اقشار آسیب‌پذیر جامعه تأثیر می‌گذارند و نابرابری در زمینه‌هایی مانند درآمد، سلامت و دسترسی به خدمات، تاب‌آوری آن‌ها را تضعیف می‌کند و کشورهای کمتر توسعه‌یافته پس از بحران‌ها به کمک‌های خارجی و وام‌های اضطراری متکی هستند که این وابستگی می‌تواند خطرات بدهی‌های بیشتر را افزایش دهد و در چنین شرایطی است که اقداماتی مانند بهبود زیرساخت‌های اجتماعی و فنی، امنیت غذایی، بهداشت عمومی و آمادگی در برابر بحران‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۱). به همین خاطر، توانمندسازی اقتصادی و توسعه پایدار، به‌مواجهه دولت‌ها در مواجهه با بحران‌ها، اصلی کلیدی است. چراکه این موضوع به امنیت ملی و سلامت ماندن حکمرانی در مواقع بحرانی کمک می‌کند.

۷-۱۰ آموزش و فرهنگ سازی:

آموزش عمومی و فرهنگ سازی، با ارائه اطلاعات و مهارت های لازم، افراد را برای مواجهه با انواع تهدیدات آماده می کند. همچنین، گسترش فرهنگ مقاومت و تاب آوری، به افراد کمک می کند در برابر چالش ها مقابله کرده و همبستگی اجتماعی تقویت شود. این دو اصل، در مقابله با تهدیدات، می تواند از آسیب پذیری جامعه در برابر تهدیدات مختلف جلوگیری کند و همچنین در میان افراد توانایی واکنش سریع را افزایش دهد. به طور کلی، آموزش و فرهنگ سازی برای تاب آوری و مقاومت، می تواند اثرات منفی تهدیدات را کاهش دهد.

۸-۱۰ تقویت نهادهای امنیتی و دفاعی:

نهادهای امنیتی و دفاعی، خط مقدم مقابله با تهدیدات مختلف نظامی، تروریستی و سایبری است. این نهادها نقش عمده ای در تأمین امنیت ملی ایفا می کنند به همین خاطر تقویت آن ها، باهدف واکنش مؤثر به تهدیدات، یکی از ارکان مهم حکمرانی مؤثر است. دستیابی به این هدف، مستلزم داشتن توانمندی های لازم برای شناسایی، تحلیل و مقابله با تهدیدات است که لازم است فناوری های مدرن، آموزش های تخصصی و هماهنگی های لازم میان بخش امنیتی - دفاعی وجود داشته باشد. ایجاد ساختاری که بتواند در شرایط اضطراری به سرعت وارد عمل شود، موجب جلوگیری از گسترش بحران خواهد شد. قدرت نظامی در برگزیده مجموع نیروهای مسلح، تجهیزات، فنون و آمادگی های نظامی یک دولت است و عامل اصلی بازدارندگی است که با داشتن آن، دشمنان فکر تجاوز را در سر نپروراند و از تهاجم بازدارنده می شوند (جعفری نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴۸). بدین خاطر، تقویت نهادهای امنیتی و دفاعی، هم به طور مستقیم باعث افزایش امنیت ملی می شود و امنیت و ثبات را در جامعه تضمین می کند و هم یکی از ارکان مهم حکمرانی خوب به شمار می رود.

۹-۱۰ توجه به علوم و فناوری:

توجه و سرمایه گذاری در علوم و فناوری های پیشرفته، خصوصاً در حوزه های دفاعی و امنیتی، به طور قابل توجه در مقابله با تهدیدات، توان دفاعی کشورها را افزایش می دهد. توسعه فناوری های پیشرفته در زمینه مختلفی مانند امنیت سایبری، هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی و... می تواند به نهادهای نظامی در مقابله با تهدیدات پیچیده حاصل از جنگ های ترکیبی، کمک کند. به عنوان مثال؛ هوش مصنوعی قادر است در تجزیه و تحلیل داده های امنیتی و شناسایی تهدیدات، موجب افزایش سرعت

تصمیمات و واکنش سریع نسبت به تهدیدات شود. همچنین، تقویت صنعت دفاعی داخلی، نیازمند کاهش وابستگی به واردات فناوری نظامی است و این مهم با سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی و فناوری دست‌یافتنی است. این موضوع هم موجب استقلال صنعت دفاعی کشورها می‌شود و هم در مواقع بحرانی، امکان استفاده از تجهیزات و فناوری‌های بومی را فراهم می‌نماید. سرمایه‌گذاری در این حوزه، هم باعث توسعه زیرساخت‌های فناوری می‌شود و هم با نوآوری و ارائه راه کارهای جدید به مقابله با تهدیدات کمک می‌کند.

۱۱-۱۰ مدیریت منابع و زیرساخت‌ها:

در مواجهه با بحران‌های مختلف، جنگ‌ها، بحران‌های اقتصادی و یا بلایای طبیعی، منابع و زیرساخت‌ها به شدت تحت فشار قرار می‌گیرند که نیازمند مدیریتی راهبردی دارد. مدیریت منابع، در شرایط بحرانی، در کاهش خسارات و گذر از چالش‌های حاصل از بحران تأثیر مهمی دارد و نیاز است که برای انطباق با شرایط بحرانی، برنامه‌ریزی دقیقی جهت اطمینان از تخصیص منابع و بهبود زیرساخت‌ها شود. مدیریت منابع در شرایط بحرانی اهمیت زیادی دارد، به‌ویژه زمانی که دسترسی به آب، غذا، و دارو محدود است. ترکیب فناوری‌های پیشرفته، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی ماهر، باعث کاهش چشمگیر خسارات و افزایش کارایی در مواجهه با بحران‌ها می‌شود و به امنیت جامعه کمک می‌کند.

۱۱-سناریوهای حکمرانی در مواجهه با جنگ ترکیبی

در این بخش، سه سناریوی اصلی شامل مطلوب، محتمل و بدبینانه برای بررسی آینده حکمرانی در مواجهه با جنگ ترکیبی ارائه شده است. این سناریوها بر اساس تحلیل‌های واقع‌گرایی نوکلاسیک طراحی شده و بر نقش عوامل داخلی و بین‌المللی در مدیریت تهدیدات تأکید دارند. نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک بر این باور است که سیاست خارجی کشورها نه تنها تحت تأثیر ساختار نظام بین‌الملل قرار دارد، بلکه عوامل داخلی و سطح خرد نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به آن ایفا می‌کنند (گرفتس، ۱۳۹۱: ۵۵). در این راستا، این سناریوها بر نقش هم‌زمان عوامل داخلی و بین‌المللی در مدیریت تهدیدات تمرکز داشته و چارچوبی برای تحلیل آینده حکمرانی در برابر جنگ ترکیبی ارائه می‌دهند.

۱۱-۱ سناریوی مطلوب: حکمرانی پایدار و مقاوم

در سناریوی مطلوب، کشور با بهره‌گیری از رویکردهای نوین و چندبعدی، توانسته به نظام حکمرانی پایدار و مقاومی در برابر تهدیدات حاصل از جنگ ترکیبی دست پیدا کند. زیرساخت‌های سایبری و اطلاعاتی به صورت جامع تقویت شده‌اند و همکاری‌های بین‌المللی به شکلی مؤثر توسعه یافته است. در این وضعیت، دولت توانسته تا با ایجاد برنامه‌های آموزشی پیشرفته، نیروی انسانی متخصص در حوزه‌های امنیت سایبری، مدیریت بحران و دیپلماسی فعال تربیت کند. علاوه بر این، ارتباط مستحکم بین نهادهای دولتی و بخش خصوصی، منجر به افزایش توانمندی‌های اقتصادی و تاب‌آوری در برابر ضربه‌های خارجی شده است. این سناریو همچنین بر ایجاد شفافیت در اطلاع‌رسانی و مدیریت افکار عمومی تأکید دارد. دولت‌ها با انتشار سریع و دقیق اطلاعات، از گسترش شایعات و تضعیف اعتماد عمومی جلوگیری می‌کنند. علاوه بر این، دیپلماسی فعال و حضور در مجامع بین‌المللی به کشور کمک کرده است تا در مدیریت بحران‌های جهانی نقش فعالی ایفا کرده و موقعیت خود را در نظام بین‌الملل تقویت کند.

۲-۱۱ سناریوی محتمل: پیشرفت‌های محدود و چالش‌های پایدار

در سناریوی دوم که سناریوی محتمل است، کشور به صورت نسبی توانسته برخی از تهدیدات جنگ ترکیبی را کنترل کند، اگرچه همچنان ضعف‌هایی در زیرساخت‌ها و هماهنگی‌های داخلی وجود دارد. در این وضعیت، پیشرفت‌هایی در حوزه سایبری و اطلاعاتی حاصل شده است، اما این پیشرفت‌ها محدود به پروژه‌های کوتاه‌مدت و پراکنده است. دولت تلاش کرده است تا از طریق همکاری‌های منطقه‌ای، بخشی از فشارهای خارجی را کاهش دهد، اما این همکاری‌ها در سطح گسترده و پایدار برقرار نشده است. در این سناریو، برنامه‌های آموزشی برای تقویت نیروی انسانی و آگاهی عمومی اجرا شده‌اند، اما هنوز بخش‌هایی از جامعه به دلیل کمبود منابع یا ناهماهنگی در اجرا، از این برنامه‌ها بهره‌مند نشده‌اند. همچنین، در مدیریت افکار عمومی و مقابله با جنگ روانی، پیشرفت‌هایی مشاهده می‌شود، اما به دلیل گسترش اطلاعات نادرست و کاهش اعتماد عمومی همچنان چالشی جدی وجود دارد.

۳-۱۱ سناریوی بدبینانه: بحران حکمرانی و بی‌ثباتی گسترده

در سناریوی بدبینانه، کشور به دلیل ضعف نهادهای داخلی و ناکارآمدی در مدیریت تهدیدات، به شدت آسیب‌پذیر شده است. جنگ ترکیبی به واسطه حملات سایبری گسترده، عملیات روانی و تهدیدات اقتصادی، منجر به بی‌ثباتی داخلی و کاهش انسجام اجتماعی شده است. در این وضعیت،

زیرساخت‌های سایبری به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری و نبود راهبردهای مناسب، در برابر حملات آسیب‌پذیر هستند. همچنین، با کاهش تعاملات بین‌المللی و افزایش انزوای سیاسی، توان کشور در مقابله با بحران‌ها محدود شده است. اعتماد عمومی به نهادهای دولتی به شدت کاهش یافته و گسترش شایعات و اطلاعات نادرست، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی را تشدید کرده است. این سناریو نشان‌دهنده ناکامی در موازنه تهدیدات به دلیل برداشت نادرست رهبران و ضعف عوامل داخلی است و به‌وضوح پیامدهای منفی عدم تقویت حکمرانی در برابر جنگ ترکیبی را نمایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، در تلاش بود تا به بررسی و اهمیت حکمرانی کارآمد در برابر تهدیدات پیچیده و چندلایه حاصل از جنگ‌های ترکیبی بپردازد. چالش نوظهوری که از نقاط ضعف و ناهماهنگی‌های بین نهادهای داخلی حکمرانی بهره‌برداری می‌کند تا به آن ضربه وارد کند.

در این تحقیق، تلاش شد تا با استفاده از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک برای تحلیل این تهدیدات استفاده شود. واقع‌گرایی نوکلاسیک با تأکید بر تعامل عوامل داخلی و خارجی، ابزاری کارآمد برای درک رفتار دولت‌ها در مواجهه با تهدیدات است و به درک عمیق‌تری از جنگ ترکیبی و ارائه راهبردهای مناسب در این موضوع، منجر شد. این رویکرد، نشان می‌دهد که سیاست خارجی و حکمرانی کشورها نه تنها تحت تأثیر ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، بلکه از متغیرهای داخلی نظیر ظرفیت دولتی، باورهای نخبگان، و فشارهای اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد.

نتایج این پژوهش نیز، با طراحی سه سناریوی مطلوب، محتمل، و بدبینانه ارائه شد. در سناریوی مطلوب، تأکید بر تقویت زیرساخت‌های سایبری، توسعه همکاری‌های بین‌المللی، و به‌کارگیری فناوری‌های نوین است که تاب‌آوری حکمرانی در برابر تهدیدات را افزایش می‌دهد. سناریوی محتمل بر تعادل نسبی میان تقویت ظرفیت داخلی و تلاش‌های محدود در سطح بین‌المللی تأکید دارد، درحالی‌که سناریوی بدبینانه نشان‌دهنده تأثیر منفی ضعف نهادهای داخلی و نبود هماهنگی میان نخبگان و رهبران است که می‌تواند منجر به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی شود.

علاوه بر این، پژوهش نشان داد که توانایی رهبران در ارزیابی دقیق تهدیدات و هماهنگی میان منابع داخلی، عاملی کلیدی در موفقیت یا شکست نظام حکمرانی در مقابله با جنگ ترکیبی است. علاوه بر

این، چالش‌هایی نظیر عدم قطعیت در پیش‌بینی تهدیدات آینده، محدودیت‌های مالی برای تقویت زیرساخت‌ها، و پیچیدگی‌های فنی مرتبط با جنگ سایبری، موانعی جدی برای تحقق حکمرانی مؤثر به شمار می‌آیند. همچنین، با استفاده از روش آینده‌پژوهی و ابزارهایی مانند سناریونویسی، به سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد تا با شناسایی نقاط ضعف و قوت حکمرانی، راهبردهایی بلندمدت و پیشگیرانه برای مقابله با تهدیدات طراحی کنند. این پژوهش با ارائه یک چارچوب تحلیلی و توصیه‌های کاربردی، می‌تواند به تصمیم‌گیران در حوزه امنیت و حکمرانی کمک کند تا در برابر تهدیدات نوظهور، نظام حکمرانی را مقاوم‌تر و اثربخش‌تر سازند.



فهرست منابع

- بابویی، محمود، ذوالفقاری، حسین، رادان، احمدرضا و بیات، بهرام (۱۴۰۱). نقش مؤلفه‌های اطلاعات و امنیت در تعامل مدیریت بحران‌های امنیتی، امنیت ملی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۳۲-۷.
- بقایی، کوروش، رجب‌پور، مجید و پرواس، سید رضا (۱۳۹۵). "چیستی و چرایی جنگ ترکیبی، اشتباهی تکراری"، علوم و فنون نظامی، سال دوازدهم، شماره ۳۷، پاییز، صص ۹۱-۱۱۰.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۶). مولفه های جنگ هیبریدی عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱۷-۲۰۱۵، جستارهای سیاسی معاصر، سال هشتم، شماره ۴، ۲۷-۴۶.
- جعفری، محسن و اسدی، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی ابعاد حقوقی جنگ سایبری با نگاهی به قواعد حاکم بر مخاصصات مسلحانه بین‌المللی، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره چهارم، شماره ۱.
- جعفری‌نیا، عباس، اخباری، محمد و مرادیان، محسن (۱۳۹۸). تحلیل شاخص های قدرت نظامی واحدهای سیاسی-جغرافیایی در عرصه نظام بین‌الملل، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره ۳، صص ۴۵-۴۶۵.
- خزایی، س.؛ محمودزاده، ا. (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی. اصفهان: پارس ضیاء.
- خلف رضایی، حسین (۱۳۹۲). حملات سایبری از منظر حقوق بین‌الملل (مطالعه موردی: استاکس نت)، مجلس و راهبرد، سال بیستم، شماره ۷۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰). واقع گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، شماره ۲.
- رامک، مهرباب و محمدی، علی (۱۳۹۹). ارائه مدل مفهومی همکاری های بین‌المللی با رویکرد تقویت دفاع سایبری کشور (براساس نظریه پردازی داده بنیاد)، امنیت ملی، سال دهم، شماره ۳۷، ۷-۴۲.
- رستمی، علی، پرتوی، محمدتقی و زرین کلاه، حسین (۱۴۰۰). عوامل امنیتی مؤثر در بروز جنگ ترکیبی توسط گروه‌های تارشرگری در غرب آسیا، مطالعات جنگ، سال سوم، شماره نهم، ۱۱۷-۹۳.
- رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۴۰۱). تبیین مفهومی و محتوایی جنگ های نوین در عرصه روابط بین‌الملل، راهبرد سیاسی، سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۲۰، بهار.
- ریاضی، وحید، اکبری، علی، باجلانی، صفدر و اکبری، حسن‌رضا (۱۴۰۰). معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران، راهبرد دفاعی، سال نوزدهم، شماره ۷۳.
- شفیعی نیا، شفیع (۱۳۹۵). جامعه اطلاعاتی و امنیت داخلی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، تقریرات درسی.

- عبدالحسین زاده، محمد (۱۳۹۹). تبیین مفهوم شفافیت و کاربرد آن در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی، سیاست های راهبردی و کلان، دوره هشتم، شماره ۲، ۱۷۸-۲۰۶.
- قادر کنگاوری، روح الله (۱۴۰۱). جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره؛ از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی، مطالعات راهبردی آمریکا، سال دوم، شماره ۸، صص ۴۷-۱۱.
- کلاتری، فتح ... (۱۳۹۶). روش های اجرای جنگ هویتی علیه ج.ا.ایران و روش های مقابله با آن، راهبرد، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۸۵-۱۰۸.
- کورنیش، ا. (۲۰۰۴)، برون یابی آینده. مترجم، سیاوش ملکی فر، تهران: نماد - نیما، ۱۳۸۸.
- گرفتس، مارتین (۱۳۹۱)، نظریه روابط بین الملل برای سده بیست و یکم، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- متفکر، حسین (۳۸۳)، جنگ روانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- همت، حمید (۱۳۹۴). شناسایی نقش و کارکردهای اقتدار اطلاعاتی در دفاع همه جانبه، علوم و فنون نظامی، سال یازدهم، شماره ۳۴، صص ۵۶-۳۹.
- Gardner, Hall. (2015). Hybrid warfar: Iranian and Russian Versions of "Little Green Men" and contemporary Conflict. NATO Defense Collage, Rome.
- Harrison, Mark (2023). Economic Warfare: Lessons from Two World Wars, Warwick, No: 1471, 8 September 2023. Available in: https://warwick.ac.uk/fac/soc/economics/research/workingpapers/2023/terp_1471_-_harrison.pdf.
- Huber, Tomas (2014), The Report of United Stats Army Special Operations Command, New York, Department of U.S.A.
- Huovinen, p. (2011). Hybrid warfare Just a twist of compound warfare: Views on warfare form the United States Aremed Forces Perspective. Helsinki: National Defense Universty.
- James Andrew Lewis, 2022, Cyber War and Ukraine, Center for Strategic and International Studies, available in: <https://www.csis.org/analysis/cyber-war-and-ukraine>.
- James J. F. Forest, PhD, 2021, Political Warfare and Propaganda An Introduction, Journal of Advanced Military Studies vol. 12, no. 1, Spring 2021. www.usmcu.edu/mcupress, <https://doi.org/10.21140/mcu.20211201001>.
- Jasper, scott and keith Alexander (2020), Russian Cyber oprations; Coling the Boundaries of conflict. Georgetown University Press, 2020. JSTOR, www.jstor.org/stable/g.ctv1169bjk. Accessed 2020.

- Käihkö, Ilmari(2021). The Evolution of Hybrid Warfare: Implications for Strategy and the
- Lewis,Andrew(2022),Cyber War and Ukraine" Center for strategic International studies(CSIS), Avalibale: <https://www.csis.org/analysis/cyber-war-and-uraine>.
- Military Profession, The US Army War College Quarterly: Parameters, Volume 51 Number 3.Fall 8-25-2021. <https://press.armywarcollege.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=3084&context=parameters>.
- Munich Security Conference. (2015). Munich Security Report 2015: Collapsing Order, Reluctant Guardians? Munich Security Conference.
- Rev.1 (2005), www. unisdr. Org /2005 /wcd /intergover /official-doc/L-docs/Hyogodeclaration-
- Scott, Len(2004). Secret Intelligence, Covert Action and clandestine Diplomacy. Intelligence and National Security,Vol.19.Issue.2.
- Simmie James and Martin Ron, The economic resilience of regions:towards an evolutionary approach [Journal] // Cambridge Journal of Regions, Economy and Society. - 2010. - pp. 27-43.
- United Nations Development Programme. (1997). Governance for sustainable human development. UNDP.
- United Nations. (2020). Principles of effective governance for sustainable development. Retrieved from <https://www.sdg16hub.org/system/files/2020-08/booklet%20-%20Principles%20of%20Effective%20Governance%20for%20Sustainable%20Development.pdf>.
- Vailliant, Bethany & Ajir, Media(2020). The Case for the Sixth Domain of War: Psychological Warfare in the Age of Advanced Technology, Global Security and Intelligence Studies • Volume 5, Number 1 • Spring / Summer 2020.
- Walt,S.M. (1990),The origins of alliance: Cornell University press.
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2012829/%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%A2%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1-%D9%81%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%DB%8C>